

# جاده جاده



به مناسبت ۲۰ اسفند، روز ملی راهیان نور به موضوع گردشگری دفاع مقدس پرداختیم

## سفر به جغرافیای حماسه

« صفحه ۱۰

## تجلی سینمای معنوی در عصر مدرن

■ کارشناسان «مدرسه نقد» در نشستی به تأثیر سینمای معنوی در مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب پرداختند

«۱»

## دفاع مقدس از نمای نزدیک

■ برنامه جبهه با تأکید بر داستان‌گویی، نگاهی متفاوت به روایت‌های جنگ دارد

«۲»

«جام جم» تأثیر روزه‌داری بر روابط خانوادگی را بررسی می‌کند

### همدلی پای سفره افطار وسحری

«۳»

## هدیه رمضانی در چهارشنبه‌های امام رضایی

■ در این روزهای دعا و مناجات، به خاطرات کودکی هایمان از ماه مبارک رمضان گریزی زدیم

📌 نگاه

### استقامت در نهج البلاغه وروایات

استقامت مردم ایران پس از رحلت پیامبر اعظم (ص)، تابع استقامت علی‌بن ابی‌طالب(ع) بوده است و راه دیگری معنای استقامت نداشته است اما حضرت علی(ع)، فاطمه زهرا (س) و اولادشان حسن(ع) و حسین(ع) و ۹ تن از فرزندان معصوم حسین علیهم‌السلام، پشت در پشت، بر چه استقامت کردند؟ اجازه دهید، مستقیماً از زبان امیرالمومنین علی (ع) پاسخ دهم، ایشان در خطبه‌های نهج البلاغه از حق خود و استقامت خود و روش استقامت، معنا و علت صبر همچون استقامت رازگشایی می‌فرماید، وقتی امیرالمومنین (ع) در خطبه ششقیه می‌فرماید: «آگاه باشید! به خدا سوگند...، جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند.»

این جملات گویای دو نکته اساسی است، اول آن که حکومت اسلامی بدون علی(ع) ممکن نبود، بدون محور آسیاب، آسیابی وجودندارد و سازمان و ساختار حرکت آسیاب فرومی‌پاشد و آسیاب نمی‌چرخد، کار نمی‌کند، ضمناً این حکومت اسلامی است که نیازمند علی (ع) است و چون پروانه گرد شمع وجودش چرخ می‌زند، دراین سخن، راز برگزیدگی امام برای حکمرانی، نهان است. حکومت اسلامی نیازمند امام است، و علی (ع) همان رهبر برگزیده‌ای است که علم الهی به او داده شده و این در ذهن ایرانیان یادآور اعتقادشان به فره‌ایزدی بود و با جان و دل حقیقت، این رابطه علی(ع) و حکومت اسلامی را می‌فهمیدند، این نسبت، تنها با ایمان به مشیت الهی و اهدای نور حکمران و علم آن به افراد خاص و دارای اخلاص و توان بی‌اعتنایی به دنیا، قابل درک است، و اهل سقیفه، همه آنچه را که دال به برگزیدگی علی (ع) بود، می‌دانستند و غدیر را به یاد داشتند اما خود از خدا و رسول خدا(ص) اطاعت نکردند، استقامت علی (ع) پایداری برحق و اطاعت از امر الهی بود، ایرانیان مومن با همه وجود به این نور، ایمان داشتند و حاکمی را می‌طلبیدند که سیل علوم از دامن کوهسارش جاری باشد، مولا علی(ع) ناگزیری تن دادن و عاقلانه بودن روش صبر برای استقامت را شرح می‌دهد و ضمناً فاش می‌کند که غاصبان حقیقت را می‌دانستند و زیر پا نهادند، امام از استقامتش در حالی می‌گوید که خار در چشم و تیغ در گلو داشت، شکوه‌های علی(ع) ... گویای همان پافشاری برحق و پایداری درباره حقیقت است، او در همه این بیان حق طلبانه، از چیزی سخن می‌گوید که گویی مردم عرب آن زمان هیچ درک و باوری نسبت به آن نداشتند و بدتر از همه، آن‌که اگر درک نمی‌کردند، دست‌کم می‌توانستند از پیامبر خدا(ص) تبعیت کنند؛ پیغمبری که او را محمد امین لقب داده بودند و می‌دانستند مطلقاً دروغ نمی‌گوید، پایداری بر حق در سراسر خطبه‌های علی (ع) نکته کلیدی است، اگر علی(ع) تنها اندکی از حق چشم‌پوشی می‌کرد، طلحه و زبیر دنیاطلب آن‌همه در در برابرش فراهم نمی‌کردند، اما اصل استقامت امام نه مقابله و ایستادگی علیه قاسطین، مارقین و ناکنین بلکه پایداری در عبودیت در مرزهای دست‌نیافتنی اخلاص و تعالی است، بنده‌ای که در بندگی خداگونه جامع همه صفات و اسمای نیکوی الهی می‌شود و در حالی که تجلی خداست در میان مردمی غافل زندگی می‌کند که بدتر از انعام هستند و گاه دانات و خیانت‌شان به اوج می‌رسد.



من کامل

📌 دوشنبه‌نویشته‌ها

### در سایه سرو؛ آن سوی سکه انیمیشن!؟

اسکار انیمیشن «در سایه سرو» را نمی‌توان نادیده گرفت، ضمن این‌که نباید آن را کم‌اعتبار نیز شمرد. بی‌تردید ثبت این جایزه در کارنامه سینمای ایران نشان دهنده جایگاه برجسته و قدرتمند سینمای ایران است، لذا مخالفت با آن از هر منظری دست کم گرفتن سینمای ایران است، درعین حال بدون تحلیل (و نه نقد محتوایی اثر) نباید از کنار آن گذشت، آنچه تاکنون در مواجهه با انیمیشن «در سایه سرو» و کسب اسکار منتشر شده و به نوعی نظریه‌پردازی پیرامون آن انجام شده است (از هر دو سوی موافق و مخالف) صرفاً معطوف به موضوع و محتوای آن بوده است. در صورتی که روی دیگر سکه مضمونی «در سایه سرو» نخست چگونه گفتن محتوای آن است که به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم اما مهم‌تر از آن چگونگی سیاست‌گذاری‌های مدیریتی است که در پشت چنین محصولاتی قرار گرفته و می‌گیرند که حالا با برنده شدن در مراسم اسکار چه بسا از این پس به جریان غالب در ریل‌گذاری‌های انیمیشن کشور تبدیل شود. پس پرسش این است که آیا فیلم‌های معروف به «کانونی» درحال بازگشت هستند؟ آیا بار دیگر سبک و سیاق کانونی، سینمای ایران را از نفس خواهد انداخت؟ از ظواهر امر و نوع چیدمان مدیریت جدید چنین بر می‌آید که احیای فیلم‌های کانونی دور از انتظار نیست و خصوصاً با توفیق این انیمیشن کوتاه در اسکار، به نظر ایام اگروتیک‌بازی و مانیفست‌سازی دوباره جان خواهد گرفت. وقتی باید این هشدار را جدی گرفت که در چند سال اخیر به همت و کوشش بخش خصوصی و توسط جوانان با انگیزه ملی و نگاه مثبت به تماشاگر انبوه، انیمیشن کشور موفق به عبور از گرایش به تولید کارهای مناسب بزرگسالان و روایت‌های «پیام‌دهی آشکار و مستقیم» شده است. در واقع حالا چند سالی است که تعدادی انیمیشن با تعاریف اصولی این مدیوم (که ماهیتاً مبتنی بر فانتزی و با هدف‌گیری مخاطب گروه سنی کودک و نوجوان است) به ارکان رسیده‌اند و برخی مانند بچه‌زنگ، پسر دافینی و... توانستند علاوه بر جذب تماشاگر انبوه داخلی به فروش‌های قابل توجهی در بازار مصرف جهانی نیز دست یابند و...

بنابراین با کسب اسکار، آن‌هم در محیط مراسمی به شکوه آنچه در فضای مجازی پخش شد، خطر جدی قالب‌های «کانونی» در کمین انیمیشن ایران است. اگر احتمال این آسیب جدی گرفته نشود، از این پس خیلی‌ها تلاش برای رسیدن به زرق و برق مراسم‌های بیرونی را بر پروسه پرزحمت و ملال‌انگیز ساخت انیمیشن‌های پر مخاطب ترجیح خواهند داد، همچنان‌که سینمای زنده هنوز گرفتار الگوی «اصغر فرهادی» در فیلم‌سازی است. اصلاً چرا راه دور برویم. مصداق و مثال بارز در حوزه انیمیشن، تجربه ساخت فیلم کوتاه «تبر» در سال ۵۹ است. احمد عربانی به گفته عبدالله علیمراد قصه‌ای از اروپای شرقی را دستمایه فیلم تبر قرار داد که در فضای انقلابی آن سال‌ها به شدت مورد توجه قرار گرفت. داستان درباره تبر ظالمی بود که همه درختان جنگل از دست او به ستوه آمده و بالاخره هم با اتحاد علیه او قیام می‌کنند. تبر هم با تکنیک دو بعدی فریم به فریم ساخته شده بود؛ کاری که در جایگاه اثری «کالت» تا چند سال پیش، انیمیشن ایران را زیر بار مستقیم‌گویی با کارکرد مانیفست‌گونه آن قرار برده بود. آن‌وقت انیمیشن جهان با قصه‌های فانتزی، شاداب و پرتحرک برای گروه سنی کودک و نوجوان ساخته و حتی در اسکار مطرح می‌شدند؛ از قبیل شیرشاه، شرک، داستان اسباب‌بازی، در جستجوی نمو، شگفت‌انگیزان، رنگو، بالا و ده‌ها انیمیشن دیگر که بازار مصرف جهانی از جمله ایران را به تسخیر خود در می‌آوردند ولی برویجه‌های انیمیشن‌ساز ما اسیر و شیدای الگوی تبر، به دنبال ایراد شعارهای مناسب بزرگسالان بودند و... خلاصه اگرچه جشنواره‌ها و مراسم‌های سینمایی مانند اسکار یک فرصت محسوب می‌شوند که طبعاً نباید از آنها غفلت کرد اما بیش و پیش از این قضیه باید در عرصه مدیریتی/الگویی مراقب انیمیشن تازه جان گرفته کشور هم بود تا در نطفه خفه نشود.



محمّدنی‌فومی  
منتقد سینما

### هنر برتر از گوهر آمد پدید

هر از چند گاهی، خبر اقامت یک بازیگر مطرح سینما در خارج از کشور به گوش می‌رسد. البته آنها هم مثل دیگر اقشار، حق دارند انتخاب کنند که مقیم موطن خود یا سرزمینی بیگانه باشند اما در این موضوع، نکاتی هست که باید به آن توجه کرد؛ بازیگران سینما و تلویزیون، زمانی به اوج شهرت می‌رسند که فرصت دیده‌شدن توسط مخاطب میلیونی فراهم آید و چنین لشکر عظیمی را نمی‌توان بدون پشتوانه سینما و تلویزیون آراست. برخی به رسانه‌ملی یا ارشاد خرده می‌گیرند که چرا بدون کسب اطمینان از نزدن زیر میز اعتماد عمومی توسط سلبریتی‌ها، به هنرپیشگان میدان عمل دادید و در مطرح‌شدن آنان، نقش مهمی ایفا کردید؛ حالا که همان هنرمندان، سرآزنگی‌ه‌دنیادراورده‌وبه‌سوابق آموزش‌های هنری، حمایت‌های جشنواره‌ای و همراهی‌های دولتی و... پشت پا زده‌اند... پس مقصر این به تعبیری «ریزش‌ها» شما سردمداران رسانه رسمی هستید که گزینش مطلوب نداشتید و راه را برای دگراندیشان گشودید! ولی منصفانه باید گفت که واقعیت از جنس دیگری است.

مسأله در بازتولید مکرر ریاکاری و عدم مذمت چندچهرگی آدم‌هایی است که ایفای تکالیف اخلاقی و انسانی را به مانند پذیرش نقش‌های مثبت و منفی یک فیلم سینمایی، قابل تغییر و تبدیل می‌دانند و با نگاهی نسبیت زده، حفظ هیچ ارزشی حتی گوهر صداقت و پیکرنگی و وثاقت را در پیشبرد اهداف‌شان، لازم نمی‌دانند.

خیلی‌ها در ارتکاب ناهنجاری مذکور، مسئول هستند؛ از آموزش و پرورش و وزارت علوم گرفته تا سازمان تبلیغات و وزارت خفیمه ارشاد! علاوه بر این؛ شاید نتوان کم‌کاری و کج‌سلیقگی بعضی مدیران پینشین در زمینه‌سازی رشد یک‌شبه اینان را کتمان کرد ولی چگونه می‌توان منفعت‌طلبی و سودجویی عده‌ای تاجر هنر را ندید و مسئولیت اخلاقی «هنرمند» در قبال ارزش‌های میهنی و اصالت‌های فرهنگی را نادیده انگاشت.

خانم یا آقای بازیگری که تمام حیثیت هنری و تمکن مادی خود را از حیث کرامت مردمش دارد و اکنون خیلی آسوده‌خاطر و راحت، ضمن مخالف خوانی و وارونه‌نمایی، با گفتن جمله‌ای کوتاه، زندگی در بین ولی‌نعمتان را



شهاب‌الدین  
بنیانیان  
نویسنده و پژوهشگر